

جرایم ناتمام در حقوق کیفری انگلیس

محمد رضا پورا احمدی لاله، کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

مفهوم ناتمام یا ناقص به معنای عدم پیشرفته در برابر شروع کامل می‌باشد. در حقوق انگلیس سه جرم عمومی وجود دارند که معمولاً به ناتمام یا جرایم مقدماتی مشهور شده‌اند که عبارتند از: ۱- شروع به جرم ۲- توطئه و تبانی ۳- تحریک

ویژگی مهم این جرائم عبارت است از این که آنها هنگامی ارتکاب می‌یابند که آن عمل مجرمانه از لحاظ ماهیتی، به طور ناموفق انجام یافته و حتی به اتمام نیز نرسیده است. به طور مثال ممکن است از یک شروع به جرم ناموفق و یک تبانی منجر به هیچ و یا کلمات تحریک‌آمیز چشم پوشیده شود، اما این احتمال بعید نیست که در این گونه موارد مسؤولیت برای ارتکاب جرم ناتمام وجود داشته باشد.

توجیه مجازات شروع به جرم: این بحث را به سه مثال آغاز می‌کنیم.

الف) شخص A با یک قوطی بنزین، مقداری کاغذ و یک جعبه کبریت به خانه رقیبش رفته و کاغذ را با بنزین آغشته نموده و آن را در میان سایر کاغذها قرار می‌دهد، اما قبل از کشیدن کبریت و این که اساساً کاری انجام دهد دستگیر می‌شود.

ب) شخص B اتومبیلی را به طور مستقیم به سوی شخص C می‌راند اما وی در همان لحظه به طرف دیگر خیابان می‌رود و جراحتی نمی‌بیند.

چ) یا مثلاً به شخص D جهت حمل بسته‌ای حشیش به کشور انگلیس مقداری پول پیشنهاد می‌شود و وی نیز قبول می‌کند، ولی توقیف می‌شود و آشکار می‌گردد بسته‌ای کروی حمل می‌نموده حاوی مقدار کاهوی خشک شده است.

آیا در این سه مثال، ممکن است این مقدار عمل منجر به محکومیت شروع به جرم شود؟ در صورتی که اولین مسئله‌ای که مورد توجه قرار می‌گیرد این است که واقعاً در هیچ کدام اعمال فوق صدمه‌ای رخ نداده است. به ترتیب موارد فوق هیچ خسارتی انجام نگرفته، جراحتی وارد نشده است و موارد مخدری نیز قاچاق نشده بود، چرا که برای ایجاد مسؤولیت جزایی هم قابلیت مجازات و هم صدمه را با هم لازم دارد، بنابراین A و B و D ممکن است قابل مجازات باشند ولی موجب هیچ صدمه‌ای نشده‌اند و اساساً باید آنها را مشمول تعقیب کیفری بدانیم؟

پاسخ این مسئله و در واقع صدمه در بحث مسؤولیت جزایی از جایگاه خاص و ویژه ای برخوردار است. اما این صدمه صرفاً ارتباطی با رخداد آن ندارد، بلکه جهت جلوگیری از ورود خسارت و صدمه نیز در نظر گرفته می‌شود، قانونگذار می‌بایستی دقیقاً مشخص نماید که صدمات به طور مناسبی مورد هدف و

منظور حقوق جزای باشند. قانون (حقوق جزای) باید آن گونه که از رخ دادن صدمات جلوگیری می نماید، مرتکبان آنها را نیز مجازات کن، بنابراین توجیه مهم وجود دارد.

(۱) **توجیه منطقی برای حقوق شروع به جرم:** عبارت است از مجوزهای قانونی مأموران و دادگاهها برای اقدام در قبل از هر صدمه‌ای تا آن جایی که خطر صدمه مسلمی وجود داشته باشد، و مسؤولیت جزایی را می‌شناسند.

(۲) **نظریه سزادهی:** مسؤولیت جزایی است یعنی شخصی که سعی بر آن دارد تا موجب ایراد صدمه ممنوعه‌ای شود و ناکام می‌ماند، مشمول قابلیت مجازات می‌باشد. حقوق جزای باید به تخلف و متصور توجه کند.

انواع شروع به جرم: دو نوع شروع به جرم متصور است.

اول) شروع جرم ناقص: زمانی است که متهم (مرتکب) اقدام به ارتکاب یک جرم می‌کند در حالی که هنوز تمامی اعمال مادی لازمه برای شروع آن جرم را انجام نداده است. مثال آن مورد الف می‌باشد.

دوم) شروع به جرم کامل: در اینجا مرتکب تمام آن چه را که مورد قصد و منظورش بوده انجام داده اما به نتیجه مورد نظرش نرسیده است، مثال آن موارد ب و ج می‌باشد.

توجیه شروع به جرم کامل از نظر جزایی آسانتر از شروع به جرم ناقص است.

توجیه شروع به جرم تام: مرتکب تمامی آن اعمالی که مدنظرش بوده با اعتماد و قصدی که برای آن جرم لازم داشت، انجام داده است، بنابراین از نظر قابل سرزنش بودن کمتر از شخصی که به طور موفقیت‌آمیزی مرتکب یک جرم ماهوی کامل شده، نمی‌باشد.

در حقیقت شروع کننده کامل به وساطیه برخی حوادث غیر منتظره که رخ داده، عملش عقیم مانده که این یک شانس بسیار عالی است در مثال سوم ماهیت آن چه که می‌پنداشت حشیش است در حالی که این طور نبود. یا در مثال دوم قربانی منظور به سمت دیگر خیابان گریخت.

توجیه اساسی مجازات شروع کننده کامل آن است که مرتکب سعی می‌کند تا قانون را نقض نماید و بنابراین منشاء خطر اجتماعی می‌شود که این خطر خیلی کمتر از شخصی که مرتکب صدمه (جرم) موفقیت‌آمیزی شده نمی‌باشد.

شروع به جرم ناقص چیست؟ در این نوع از شروع به جرم زیر قصد و اعتقاد و عزم به ارتکاب جرم ماهوی وجود دارد. هرچند دلایلی که بیانگر این نکته اخیر است، احتمالاً از دلایل شروع به جرم تام از قطعیت کمتری برخوردار است. در حقیقت ممکن است به طور منصفانه‌ای گفته شود که مرتکب در شروع به جرم ناقص هنوز وقت و زمان پشیمان شدن را قبل از انجام دادن همه اعمال لازمه برای شروع به جرم ماهوی دارا می‌باشد. یک ویژگی مهم در شروع به جرم ناقص وجود دارد و آن اهمیت احتمال دخالت مأموران قبل از ایجاد صدمه می‌باشد. همچنین قابلیت مجازات شروع کننده (به جرم) ناقص ممکن است کمتر از شروع کننده (به جرم) کامل باشد چرا که در آن جا این امکان وجود دارد که

در برخی از مراحل بعدی به طور ارادی مرتکب شروع کننده ناقص پشیمان گردد. در زمینه شروع کننده جرم ناقص تا آنجا پذیرفته می‌شود که وی با قصد معین و برای ادامه و ارتکاب جرم ماهوی به وسیله انجام برخی اعمال بعدی که دلیل کافی جهت انجام جرم می‌باشد، اقدام می‌کند. این استدلال‌ها به طور مطلوبی شروع به جرایم ناقص و کامل را با تکیه قوی بر اثبات این که هیچ رابطه ذهن متفاوت بین شروع کنندگان و آنهایی که موفق به ارتکاب جرم کامل می‌شوند وجود ندارد، جرم می‌شناسد.

آیا این فرض وجود ندارد که اخلاق در ارتباط با قابلیت مجازات ذهنی اشخاص اهمیت دارد؟ و آیا این صحیح است که بگوییم بین شروع کنندگان و مرتکبان جرم کامل هیچ گونه تفاوتی از حیث اخلاق وجود ندارد؟ مسلماً استدلال می‌شود که وضعیت اخلاقی شروع کننده کامل (کسی که موجب هیچ صدمه‌ای نشده است) با مشخصی که مرتکب جرم کامل می‌شود (موجب صدمه می‌گردد) متفاوت است اما این اختلاف مطمئناً در مسؤلیت بعدی جهت پرداخت غرامت و میزان خسارت به وجود می‌آید و اظهار نمی‌گردد که مرتکب جرم کامل باید از نظر جزایی مسؤول باشد و دیگری نباشد. در حالی که شروع کنندگان جرم ناقص با شدت کمتری از مرتکبان جرم کامل باید مجازات گردند، زیرا این امکان هست که به طور ارادی از شروع به جرم دست بردارند و از انجام جرم منصرف شوند.

عناصر شروع به جرم: عناصر شروع به جرم عبارتند از:

الف) عنصر تقصیر

ب) عنصر عمل

ج) عنصر غیر ممکن

الف) عنصر تقصیر

اظهار شده است، وقتی که فردی متهم به شروع به جرم می‌شود «قصد» که رکن اساسی جرم می‌باشد احراز شده است براساس مفاد قانون شروع به جرم (۱۹۸۱/م) باید اثبات شود که متهم قصد ورود صدمه ممنوعه را دارد و علم لازم به حقایق و اوضاع و احوال و شرایط محیط بر آن عمل ممنوعه را دارا می‌باشد.

آیا برای شروع کننده به جرم می‌توان مسؤولیت جز این قائل شد در حالی که قصد عمل ممنوعه را می‌کند ولی نسبت به اوضاع و احوال و شرایط عمل بی‌پروا و بی‌توجه است؟

البته این مسئله معمولاً در زمینه شروع به جرم تجاوز جنسی مطرح می‌شود. قانون شروع به جرم در این زمینه پاسخ واضح و روشن را ارائه نمی‌کند؛ البته پاسخی که داده‌اند عبارتست از این که عمل مقصرانه صرفاً درجه‌ای از عمل و آگاهی را لازم دارد و آن فقط به لزوم قصد نیست به عمل و نتیجه اشاره دارد. به علاوه در مثال فوق جرم تجاوز جنس فی نفسه به واسطه بی‌پروایی نسبت به رضایت زن محقق می‌شود.

سؤال اساسی این است که در شروع به جرم مسؤولیت جزایی در چه حدی باید اتخاذ و در نظر گرفته شود؟ ادعا شده است که شروع به جرم به طور ضمن دلالت بر سعی و تلاش دارد، تلاش و سعی کردن به طور ضمنی اشاره به هدفمند بودن رفتار شخص مرتکب دارد. بنابراین هیچ چیزی به عنوان یک شروع به جرم بی پروایی یا مسامحه‌ای (غیر عمدی) نمی‌تواند وجود داشته باشد.

جرمی تحت عنوان شروع به جرم بی پروایانه سبب صدمه جسمانی اساساً متصور نیست. بلکه آن از عمل مستقل تحت عنوان جرم خاصی می‌تواند باشد ولی جمعیت در لحظه‌ای قبل تشکیل نمی‌شود ولی انفجار رخ داد، این مقدار عمل به عنوان جرم مستقلی شناخته می‌شود. چرا که اساساً شروع به جرم با مسؤولیت مطلق وجود ندارد.

ب) عنصر عمل

در چه زمانی شخص به اندازه کافی جهت ایجاد مسؤولیت جزایی اقدام می‌کند؟ در این خصوص دو مکتب فکری مطرح می‌باشد. اول: ذهنیت گرایان آنهایی که اظهار می‌دارند شروع به جرم سعی نمودن برای ارتکاب جرم است؛ استدلال این چنین است که در این مورد شخص تا آنجا پیش می‌رود و به قصد ارتکاب جرم نزدیک می‌شود و به عبارتی عملاً از آستانه مسؤولیت جزایی عبور نموده و مستحق مجازات است. (البته امکان ترک نمودن ارتکاب جرم متحمل است با این حال کمتر مجازات برای شروع به جرم تام متصور است).

دوم: نظریه عینیت‌گرایی که شامل دو گرایش می‌باشد، یک گرایش این است که از لحاظ مادی و عینی متهم تمامی اعمال لازم عمل مجرمانه را انجام دهد، اما قبل از ارتکاب عمل نهایی متوقف شود. گرایش دوم مبتنی است بر دخالت دادن مأموران پلیس؛ اگر چه محکومیت در این قسمت به احتمال زیاد به دلیل قصد متهم تحمیل می‌شود.

بنابراین دخالت پلیس و دستگیری متهم به شروع جرم ممکن است، به اعمال زور جهت تحصیل اقرار و اعتراف مرتکب منجر گردد و اجرای عدالت ناکام بماند. اصول حقیقی ضروری می‌داند، اثبات اعمال آشکاری را که خیلی به ارتکاب جرم تام نزدیک است و گرنه ما صرفاً براساس تفکرات متهم و پلیس اقدام نموده‌ایم.

کمترین شرط برای شروع به جرم، هر عمل آشکاری خواهد بود، هر چند این معیار فرصت کمی برای پلیس جهت دخالت خواهد داد.

قانون مجازات مقرر می‌کند که متهم یک گام ماهوی به سوی ارتکاب جرم تام آغاز کند. همچنین قانون شروع به جرم (مصوب ۱۹۸۱) لازم می‌داند متهم اعمالی را انجام دهد که از صرف تهیه مقدمات برای ارتکاب آن جرم بیشتر باشد. اساس این دید قانون معیار عمل آخر در ارتکاب عمل مجرمانه می‌باشد و متهم به مرحله‌ای گام می‌گذارد که برگشتی وجود ندارد.

ج) عنصر غیر ممکن (محال)

موضوع محال معمولاً در ارتباط با شروع به جرایم کامل مطرح می‌شود.

در صورتی که عنصر عمل در شروع به جرایم ناتمام می‌باشد. در اینجا نیز جهت توجیه مجازات دو دیدگاه ذهنی و عینی را مجدداً بررسی می‌نماییم.

در برخورد ذهنی در مورد شروع به جرم کامل (محال) متهم می‌بایستی بر اساس حقایق و اوضاع و شرایط و احوال همان گونه که وی معتقد به اجرای آن در همان زمان بود، مورد قضاوت قرار گیرد. همان طور که اعتقاد و قصد به عنوان یک دلیل تبرئه کننده مطرح می‌شود، بالاخص در جایی که متهم در مورد حقیقی دچار اشتباه می‌شود. به عبارت دیگر وقتی شخص معتقد است که مرتکب یک جرم شده است، جهت محکومیت وی به یک شروع به ارتکاب آن جرم قابل توجیه است.

به طور مثال حمل مقداری کاهوی خشک به اعتقاد این که اسید ریخته است؛ از دیدگاه این گزارش در این دو موضوع از نظر ذهنی و اخلاقی در زمینه قابلیت مجازات تفاوتی ما بین این افراد و اشخاصی که حقیقتاً این اعمال را (ریختن اسید واقعی و حمل و قاچاق حشیش) انجام داده‌اند، وجود ندارد.

اما گرایش عین در این گونه شروع به جرم‌ها اساساً خطر واقعی وجود ندارد.

بنابراین حقایق باید اثبات شود چرا که ممکن است هر کس که کیفی را حمل می‌نماید، مسؤول شناخته شود و توقیف گردد و به او اتهاماتی را نسبت دهند که فکر می‌کنیم، کیف محتوی مواد مخدر است، این گونه برخورد نمودن حقوق و دین را در معرض تهدید و خطر قرار می‌دهد. تفاوت اساسی این دو گرایش در این است که از نظر گرایش ذهنی واقعاً هیچ اختلافی از لحاظ قابلیت مجازات (اخلاقاً و خطرناک بودن) بین اشخاص که واقعاً یک شروع به جرم‌هایی را انجام می‌دهند و بسیاری شروع به جرم‌هایی عادی وجود ندارد. در صورتی که تمرکز دیدگاه و گرایش عین بر روی فقدان خطر در موقعیت عملی است ولی گرایش ذهنی صرفاً بر روی سزادهی یا خطرناکی بالقوه شخص تکیه می‌نماید. هرچند قانون شروع به جرم (مصوب ۱۹۸۱) به جرم محال را جرم شناخت و قابل محکومیت اما با این حال مجلس لزوماً (اعیان) مقررات را طوری تفسیر نمود که متهم در این گونه موارد می‌بایستی همچنان براساس حقایق و واقعیت‌ها مورد قضاوت قرار گیرد.